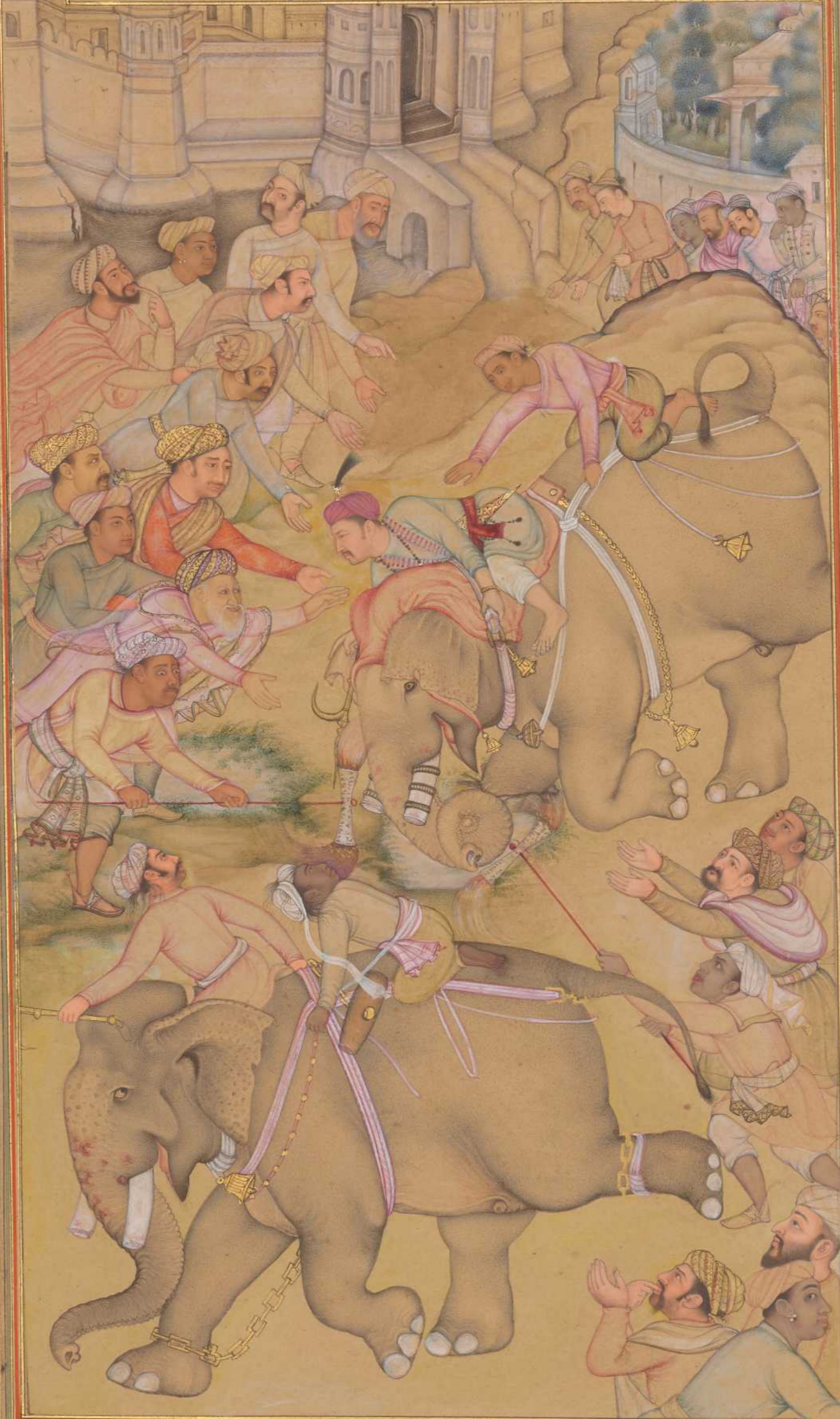


کیف سوار شدن ان باز از راه شد خوبی داشتن با قبل دیگری که مثل او باشد جک انداختن از ظهور این عجایب صحت ظری
 چون ابل معنی در مقام حلقه کبوشی در آمدن گرفتند خاطر کسی نرسید که قبل از این بکنند والت و اسپه بانی چند نغمه بینا نیند تا سوا
 میشود و ریمانی در گردن حلقه طور که باعث زیب و زینت او باشد می نهند و نزدیک بگردن شسته پاربان سمان اعتماد
 می بخشند من چه میگویم سخن همانست که اول کفتم بیان حالات از من می آمد که چه در واقعه نویسی ظاهر بین اند که اردازی شاه
 راه مقصود میگویند شده به پنا میروم اما کار شناس معنی گزن در باید که یک قدم از راه بیرون قدمه ارم فرستی تا حرم مرسوم
 از جمله حمایت یزدی که ارباب صورت و معنی را از خواب غفلت بیدار ساخته شطر از تعجب و نیتی را در حسرت نهایت
 ایام گذشته و در طبقه راد افرن کی انش حرد بوده هوش افزای گشت آنت که در آن هنگام که در دار الملک ش
 مسرت پراخی خاطر قدس بود و فیصل سواری فرموده بجک انداختن ان اشتغال اشند زوری رفیل کتبه نام که منظر
 قزمان جلالی بود درین پستی بدخوبی آدم کشی او دولت و اقبال سوار شده فیصلی تنهای او جک انداخته که کاراکانها

بهرت از فیض کائنات که انظمت زده
 سوار بودند غالب آمدن و حریف را پیران
 داده هوش از پازلی دیو در کائنات مانی

که پستون عظیم را ماند در کورتی تنک و مغالک عتق فرورفت و در آن عهده بدستی که خان شخم در دماغ او چیده بود
 حملهای عظیم و کمرگنهای عمیق پنا کرد و درین اثنا پهلوانی که در کفیل سپار بود چه قاعده است که بر دین این کوه
 پیکران کی از شیر دلان کاروان سپار میشود و او را بزبان مندی بهوی کونید تا ب جنبشهای اسپانی اوینا ورده بر
 و درین وقت که غریوار کون و مکان خاسته بود و دلهای ارباب خلاص بکد از میرفت ذات متحد پس حضرت
 نیز از جای خود جدا شده پای آسمان فرسای حضرت بر میان کردن فیل که بزبان مندی کلاوه خوانده محکم شد و حضرت
 به پستی که گنبدت بر فلک می انداختند و چه که تا میدیاند در اصابع رحمانی ان در بسیار مضرب و طرقتند و ان
 بجمل المتین حفظ الهی و عروه و نفی عنایت و اتق داشته قوی دل و مطمئن خاطر بودند و در آن جوش و خروش که زلزله
 در زمین و غلغل در زمان انداخته بود و فیل از غایت قوت و صلابت پای خود را از ان مغالک می کشید و کوهها
 غیب نموده از سر طرف پهلوزمین میرساند از یک طرف غریب عالمیان از یک جانب کشتنهای فیل در بر آمدن شخص

قدیمی شاد انحضرت در چپین وقت که خاطر روزگار آشفته است جمعی از فرزند حوصلمای در پست اخصاص تیربوش بر جای امن
 انحضرت را از قبل جدا کردند و دل بر تیزد بعالم آید و جان از جای رفته دوران قزار گرفت



۶۲

فتح نامی هر منور هر کنای منت

۶۶

۴۸